



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

اقتصاد قانون اساسی



اقتصاد قانون اساسی

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی حجت الاسلام محسن خاکی
در رویداد ملی هجرت ۲؛ روایت فتح می باشد.



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: اقتصاد قانون اساسی

سخنران: حجت الاسلام محسن خاکی

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: قانون اساسی، اصل، اقتصاد انقلاب، دولت، بخش خصوصی،

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۱۱۰۹۲۵

تاریخ نشر: تیرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاماً نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

۱.....	مقدمه
۱.....	جمهوری اسلامی: نوآوری انقلاب برای اقامه عدالت
۲.....	اندیشه امام خمینی قدس سره در مورد اقتصاد انقلاب اسلامی
۳.....	اقتصاد، ریشه طغیان و آرزوی فرهنگ لیبرال
۴.....	منابع کلیدی برای درک اقتصاد قانون اساسی
۶.....	انقلاب اسلامی و دگرگونی ساختار اقتصادی
۷.....	اصل ۴۳ قانون اساسی: رهایی از فقر و محرومیت، در مسیر آزادی
۷.....	ضابطه اول: برابری در دسترسی به نیازهای اساسی
۸.....	ضابطه دوم: ایجاد شرایط و امکانات برای اشتغال
۱۲.....	ضابطه سوم: رفاه، آزادی و مشارکت برای همه
۱۲.....	آزادی و مشارکت در گرو رهایی از دغدغه‌های اقتصادی
۱۳.....	اصل ۴۳ و کمونیسم
۱۴.....	ضابطه چهارم: انتخاب آزادانه شغل
۱۴.....	ضابطه پنجم: منع اضرار به غیر، احتکار، ربا و معاملات باطل
۱۵.....	ضابطه ششم: اسراف و تبذیر
۱۵.....	ضابطه هفتم: ضرورت استفاده از علوم و فنون و تربیت نیروی متخصص
۱۶.....	ضابطه هشتم: ممانعت از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور
۱۸.....	ضابطه نهم: تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی
۱۸.....	اصل ۴۴: دولتی، تعاونی و خصوصی
۱۹.....	استثنائات در اقتصاد اسلامی: اجاره، ازدواج موقت و کارگری
۲۰.....	اصل ۴۵: ثروت‌های عمومی در خدمت مردم
۲۰.....	اصل ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی
۲۲.....	اصل ۴۸ قانون اساسی
۲۲.....	لیبرال‌ها مانع تحقق اصل‌های قانون اساسی
۲۳.....	اصل ۴۹ قانون اساسی



اقتصاد قانون اساسی

باسمه تعالی

مقدمه

چرا باید دوباره به قانون اساسی مراجعه کنیم؟ چرا فصل اقتصاد آن، با وجود طرح مسائل فرهنگی، سیاسی و انقلابی، به مباحث اقتصادی می‌پردازد؟ پاسخ واضح است: انقلاب ما انقلابی نظامی بود که به قول امام خمینی قدس سره برای تغییر ساختار قدرت و از بین بردن رابطه استضعاف و استکبار به وقوع پیوست. برای این هدف، هر ابزار، مسیر و ساختاری که بتواند این نابرابری و سلطه را از بین ببرد و فضایی برای تحقق آرمان‌های انقلاب فراهم کند، ضروری است. همانطور که خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «ما پیامبران خود را با نشانه‌های روشن فرستادیم و کتاب و میزان را با آنان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند»^۱.

جمهوری اسلامی: نوآوری انقلاب برای اقامه عدالت

یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی، برپایی «اقامه عدالت عمومی» بود. این مفهوم، به تعبیر رهبر معظم انقلاب دامت برکاته، نوآوری انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی، تجلی نوینی از حکومت الهی است که با خواست مردم و ارزش‌هایی مانند عدالت، معنویت و... عجین شده است.

در این راستا، نقشی کلیدی برای مردم در نظر گرفته شده است. مردم باید در فرآیند انقلاب و اقامه عدالت مشارکت فعال داشته باشند؛ اما پیش از آن، باید موانع و ساختارهایی که دست و پای مردم را بسته بود، از میان برداشته می‌شد. قرآن کریم این موانع را به عنوان «زنجیرها و غل‌هایی که بر آنان بود»^۲ توصیف می‌کند. این موانع، مانع از اقامه حق، امر به معروف، اقامه عدل و گسترش معنویت می‌شدند؛ از این رو، از بین بردن هرآنچه که مردم را ضعیف و ناتوان می‌کرد، ضروری بود. در دنیای مدرن، یکی از مهم‌ترین ساختارهایی که باعث استضعاف توده‌های مردم شده است، ساختار اقتصادی است.

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، سوره حدید آیه ۲۵.

۲. «إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»، سوره اعراف آیه ۱۵۷.



اقتصاد قانون اساسی

اندیشه امام خمینی (ره) در مورد اقتصاد انقلاب اسلامی

برای درک عمیق‌تر از اندیشه امام خمینی (ره) در مورد اقتصاد انقلاب اسلامی، به جملات ایشان در صحیفه نور، جلد ۲۱، صفحات ۱۲۸ و ۱۲۹ مراجعه می‌کنیم. ایشان در این جملات، با ظاهری فرهنگی و معنوی، به راهکارهای اقتصادی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی می‌پردازند: «در صورتی که نظام اسلامی با جهت‌گیری‌های کلی‌اش بتواند دست زالوصفتان را از حریم رنج‌دیدگان و گرسنگان کوتاه نماید و مستضعفان را بر مقدرات خودشان حاکم و مسلط گرداند، من باید ساختار استضعاف و استکبار را بشکنم. من به روابط قدرت کار دارم».

در این جملات، امام (ره) به صراحت بیان می‌کنند که هدف اصلی انقلاب اسلامی، از بین بردن ساختار استضعاف و استکبار است و این امر با تسلط مستضعفان بر مقدرات خودشان و کوتاه کردن دست زالوصفتان از زندگی مردم محروم امکان‌پذیر خواهد بود. اما راهکار امام (ره) برای تحقق این امر چیست؟ ایشان معتقدند که برای از بین بردن ساختار استضعاف و استکبار، باید توده‌های میلیونی مردم محروم را در فرآیند تولید و تلاش اقتصادی مشارکت داد.

امام خمینی (ره) معتقد بودند که تا زمانی که انسان بر امور اقتصادی خود مسلط نباشد و نتواند معیشت خود را به دلخواه خود اداره کند، در واقع زیر سلطه دیگران است و قدرت و اراده‌ای برای خود ندارد. این امر، مانع از تعاون و مشارکت مردم در امور جامعه و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزش‌های متعالی می‌شود. به عبارت ساده، امام (ره) برای سوق دادن مردم به سوی اخلاق کریمه و ارزش‌های الهی، تغییر ساختار قدرت را ضروری می‌دانستند. در این راستا، ایشان راهکار را در تسلط هر فرد بر فرآیند تولید و معیشت خود می‌دیدند.^۱

در نگاه امام (ره)، اقتصاد نه به معنای مارکسیستی^۲، زیربنای جامعه و نه به معنای غایت و هدف نهایی، بلکه شرطی

۱) ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره‌کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را به بهانه فخر و فروشی و مباحث قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزش‌های متعالی و فرار از تملق‌گویی‌ها می‌گردد. (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۰)

۲) Marxism: یک نظریه اجتماعی، جهان‌بینی، ایدئولوژی، و یک مکتب فلسفی است که توسط کارل مارکس، فیلسوف و انقلابی آلمانی در اواخر قرن نوزدهم ساخته شد. اساس مارکسیسم آن طور که در «مانیفست کمونیست» بیان شده است بر این



اقتصاد قانون اساسی

لازم برای رهایی مردم از قید و بندهای ظلم و استبداد است. مادامی که این زنجیر اسارت اقتصادی برداشته نشود، توده‌های مردم توان قیام و نهضت برای تغییر را نخواهند داشت و در نهایت این زنجیر تبدیل به تسمه‌ای می‌شود که بر گردن ستم‌دیدگان کوبیده می‌شود و به اقلیت ثروتمند اجازه می‌دهد تا بر سرنوشت اکثریت مردم حاکم شوند. این حاکمیت اقتصادی به حاکمیت سیاسی و در نهایت به تسلط بر فرهنگ و ارزش‌های جامعه نیز تسری خواهد یافت. بنابراین، از نظر امام خمینی قدس سره، اقتصاد به عنوان هدف نهایی مطرح نیست، اما نقطه شروع و کلید رهایی از سلطه ظالمان و گام نهادن در مسیر ساختن جامعه‌ای اخلاقی و مبتنی بر ارزش‌های الهی است. تا زمانی که سلطه اقتصادی طبقه ثروتمند بر طبقه مستضعف از بین نرود، سلطه سیاسی و فرهنگی آنان نیز پابرجا خواهد ماند.

اقتصاد، ریشه طغیان و آرزوی فرهنگ لیبرال

همانطور که در قرآن کریم، آمده است: ﴿فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ﴾^۱؛ «قارون با زینت خود بر قومش ظاهر شد». قارون با قدرت اقتصادی خود، علیه قومش طغیان کرد و این طغیان با زینت و تجمل همراه بود. مردم در مقابل این نمایش قدرت، چه واکنشی نشان دادند؟ قرآن کریم در ادامه آیه می‌گوید: ﴿يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ﴾^۲ «ای کاش ما هم مثل قارون بودیم». این آرزو، نشان‌دهنده میل به ثروت و تجمل است که تحت تاثیر قدرت اقتصادی قارون شکل گرفته است. به عبارت ساده، زمانی که قدرت سرمایه‌داری توده‌ها را به موجوداتی عقده‌ای و آرزومند تبدیل می‌کند، زمینه برای پذیرش ارزش‌های لیبرال و سکولاریسم فراهم می‌شود. به همین دلیل انقلاب اسلامی، به سراغ اقتصاد رفت؛ چرا که ریشه بسیاری از مشکلات و انحرافات فرهنگی و اخلاقی در ساختار اقتصادی معیوب و ظالمانه جامعه جستجو می‌شد.

باور استوار است که تاریخ جوامع تاکنون تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است و در دنیای حاضر دو طبقه، بورژوازی و پرولتاریا وجود دارند که کشاکش این دو تاریخ را رقم خواهد زد.

(۱) سوره قصص، آیه ۷۹

(۲) همان



اقتصاد قانون اساسی

همانطور که امام خمینی قدس سره فرمودند «من می‌خواهم برای رشد فضائل و اخلاق، توده‌ها را در سرنوشت اقتصادی خودشان مسلط کنند». اکنون باید بررسی کنیم که شاگردان ایشان چگونه این ایده کلی را به نظریه و سپس به طرح تفصیلی تبدیل کردند و این طرح تفصیلی چگونه در قانون اساسی گنجانده شد؛ همچنین باید ببینیم که چرا اجرای کامل این قانون در حوزه اقتصاد با چالش‌هایی روبرو شده است.

متأسفانه در گام‌های اولیه انقلاب، علی‌رغم تلاش‌های انجام شده، بخش‌هایی از متن قانون اساسی به قوانین و رویه‌های جاری کشور تبدیل نشدند؛ به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر به عقب‌ماندگی در حوزه عدالت اقتصادی اذعان داشته و از مردم و خداوند طلب استغفار کرده‌اند.

علل عدم اجرای کامل قانون اساسی در حوزه اقتصاد به دوران پس از جنگ تحمیلی و سیاست‌های تعدیل اقتصادی بازمی‌گردد. در این دوران، قانون اساسی به عنوان چشمه‌ای جاری در ساختار کشور عمل نکرد و برخی از مؤلفه‌های مهم آن در حوزه اقتصاد نادیده گرفته شدند. برای بررسی دقیق‌تر این موضوع، باید به فصل ۴ قانون اساسی، یعنی فصل اقتصاد و ۷ اصل مهم آن (اصل ۴۳ تا ۴۹) توجه کنیم.

منابع کلیدی برای درک اقتصاد قانون اساسی

مقام معظم رهبری دامت برکاته در سخنرانی‌های خود در نماز جمعه تهران در سال ۱۳۶۶، تئوری اقتصادی خود را ارائه کرده‌اند. این سخنرانی‌ها به عنوان منبعی مهم برای درک اندیشه‌های ایشان در مورد ساختار اقتصادی، مالکیت، آزادی و سیاست و همچنین ایده‌های اقتصادی انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند.

کتاب «اقتصاد اسلامی» نوشته شهید دکتر بهشتی رحمته الله علیه، منبع ارزشمندی برای درک مبانی نظری و کاربردی اقتصاد اسلامی است. دو فصل از این کتاب تحت عنوان «ابعاد اساسی در بخش اقتصاد قانون اساسی» به طور خاص به تشریح این موضوع اختصاص دارد.

هدف از اقتصاد قانون اساسی، ایجاد رابطه‌ای عادلانه بین طبقات مختلف جامعه و توانمندسازی همه مردم است. برای درک بهتر این هدف، باید شرایطی را که در آن این ایده مطرح شد، بررسی کنیم. انقلاب اسلامی ایران



اقتصاد قانون اساسی

در دوره‌ای رخ داد که سرمایه‌داری در جهان غیر ایرانی به مدت ۲۰۰ سال (از ۱۸۰۰ به بعد) مسلط بود. در این دوران، لیبرال سرمایه‌داری قدرت اقتصادی را در دست طبقات محدودی نگه داشته بود؛ اما تجربه ایران متفاوت بود. ما با نظام سرمایه‌داری زندگی نمی‌کردیم، بلکه تحت سلطه نظام ایلخانی، ایلغاری و اشراف زمین‌دار، مالک و تاجر بودیم. برای بیش از هزار سال، ساختاری در ایران حاکم بود که در آن طبقات خاصی (ایل‌ها) با تکیه بر دو مولفه، اقتصاد کشور را در انحصار خود گرفته بودند: «سلطه بر زمین و تولید کشاورزی».

ایل‌ها با تصاحب زمین‌های کشاورزی، بخش عمده‌ای از ثروت کشور را کنترل می‌کردند؛ همچنین ایل‌ها با انحصار تجارت، از مبادلات کالا سود هنگفتی به دست می‌آوردند. این وضعیت تا پایان دوره قاجار ادامه داشت. پهلوی اول با به قدرت رسیدن، اشراف قاجاری را کنار زد و اشراف جدیدی به جای آنها آورد. این اشراف جدید که خان‌زاده‌ها و شهزاده‌ها بودند، با تمرکز بر زمین و بازرگانی، شریان‌های حیات اقتصادی ایران را در دست خود گرفته بودند. پهلوی دوم قدرت این اشراف را با دو اقدام دیگر افزایش داد:

۱. تاسیس نظام بانکی: با تاسیس نظام بانکی، اعتبارات پولی در اختیار این اشراف قرار گرفت.
 ۲. غصب و بازتوزیع زمین‌ها و ثروت‌های اشراف قاجار: با غصب و بازتوزیع ثروت قاجاری‌ها، پهلوی‌ها ثروت هنگفتی به دست آوردند. با این ثروت، پهلوی‌ها موج جدیدی از صنایع را در ایران راه‌اندازی کردند. این صنایع که عمدتاً مونتاژکار محصولات خارجی بودند، در اختیار اشراف پهلوی قرار گرفتند.
- به عنوان مثال کارخانه‌های جاده مخصوص تهران-کرج، بسیاری از این کارخانه‌ها مونتاژکار قطعات خارجی بودند و شرکت‌های خارجی ورشکسته را پهلوی‌ها خریداری و با نام جدید راه‌اندازی می‌کردند، مانند کارخانه پیکان و یا با خرید تکنولوژی از خارج، کارخانه لوازم خانگی تاسیس کردند.
- در دوره پهلوی، تعدادی از خاندان اشرافی بر چهار رکن اصلی اقتصاد ایران تسلط داشتند و مردم را از ثروت و رفاه محروم کرده بودند. این چهار رکن عبارت بودند از: «زمین و منابع طبیعی؛ بازرگانی و تجارت؛ پول و بانکداری و سرمایه‌های تولیدی و کارخانجات».



اقتصاد قانون اساسی

انقلاب اسلامی و دگرگونی ساختار اقتصادی

امام خمینی قدس سره با هدف رهایی مردم از این ستم، خواستار شکستن این ساختار بود. ایشان معتقد بودند که عدالت اقتصادی، کلید رهایی از ظلم و ستم و رسیدن به فضائل اخلاقی است، به همین دلیل، انقلاب اسلامی به دنبال دو هدف اصلی بود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زمینه اقتصاد و مهمترین اصل تحول اقتصاد را ارائه این چهار منبع به دست فقیه عادل جامع الشرایط می‌داند و نه دست اشراف پهلوی یا مردم. مهم‌ترین اصل این قانون، اصل همگانی کردن ابزار تولید یا به عبارتی دیگر، اصل مالکیت همگانی سرمایه‌های تولیدی است. شهید بهشتی رحمه الله، از یاران امام خمینی قدس سره، این اصل را به زیبایی تشریح می‌کند و آن را اصل فراوانی ابزار کار می‌نامد. ایشان معتقدند که انقلاب اسلامی به دنبال تمرکز ثروت در دست دولت نیست، بلکه خواستار توزیع عادلانه آن بین همه آحاد جامعه است.

گام اول: انقلاب اسلامی برای تحقق عدالت اقتصادی، گام‌های بلندی برداشت. اولین اقدام، «بند جیم» تقسیم اراضی بود. زمین‌هایی که در طول تاریخ در دست اشراف و ثروتمندان بود، از آنها گرفته شد و به کشاورزان و مردم بی‌زمین واگذار شد. همزمان با این تقسیم، قانون نوسازی صنایع نیز در دوران دولت موقت به تصویب رسید. هدف از این قانون، بازپس‌گیری اموال و سرمایه‌هایی بود که در طول سال‌ها از مردم ایران به تاراج رفته بود. این اموال که از اشراف و دولت متمرکز گرفته می‌شد، قرار بود به نفع مردم به کار گرفته شود. اما صرف تصاحب اموال کافی نبود.

گام دوم: توزیع عادلانه این ثروت‌ها بین مردم بود که این کار مانند حل کردن شکر در آب است. همانطور که دانه‌های شکر در آب حل می‌شوند و در تمام نقاط آن پخش می‌شوند، ثروت‌ها نیز باید به دست همه مردم می‌رسیدند. متأسفانه، این مسیر به طور کامل طی نشد و بخشی از اموال به دست آمده، به جای توزیع بین مردم، به نهادهایی مانند بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان امام سپرده شد. این نهادها وظیفه داشتند ثروت‌ها را بین محرومین توزیع کنند، اما در عمل، خود به فعالیت‌های اقتصادی پرداختند و به جای توزیع عادلانه ثروت، از آن برای سرمایه‌گذاری و کسب سود استفاده کردند.



اقتصاد قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نقشه راهی برای تحقق عدالت اقتصادی ارائه می‌دهد. هفت فصل اول این قانون، به طور خاص به موضوع اقتصاد می‌پردازد. اصل ۴۳، هدف نهایی اقتصاد را مشخص می‌کند و اصول ۴۴ تا ۴۷، ساختار مطلوب اقتصادی را ترسیم می‌کنند؛ همچنین اصول ۴۸ و ۴۹، راهکارهای رسیدن به این ساختار مطلوب را ارائه می‌دهند.

اصل ۴۳ قانون اساسی: رهایی از فقر و محرومیت، در مسیر آزادی

اصل ۴۳ قانون اساسی، نقشه راهی برای رسیدن به جامعه‌ای عادلانه و آزاد ترسیم می‌کند. این اصل به دنبال تأمین استقلال اقتصادی جامعه، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد او با حفظ آزادی‌اش است. قانون اساسی، اقتصاد را شرطی برای آزادی سیاسی می‌داند. به این معنا که فقر و نابرابری، مانع آزادی واقعی انسان‌ها می‌شوند. برای رسیدن به این هدف، ۹ ضابطه کلیدی در اصل ۴۳ ارائه شده است:

ضابطه اول: برابری در دسترسی به نیازهای اساسی

مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش باید به صورت رایگان، همگانی و برابر در اختیار همه مردم قرار بگیرد. این نیازها، پایه و اساس زندگی انسان را تشکیل می‌دهند و باید برای همه به طور یکسان و بدون تبعیض قابل دسترس باشند.

فرض کنید در جامعه‌ای، عده‌ای به آموزش بیشتری دسترسی داشته باشند و عده‌ای دیگر از آن محروم باشند. این افراد با آموزش بیشتر، در دانشگاه و کنکور رتبه‌های بهتری کسب می‌کنند، شغل‌های بهتر و پردرآمدتری پیدا می‌کنند و در نهایت، ثروت و قدرت بیشتری به دست می‌آورند. در چنین جامعه‌ای، برابری اجتماعی از بین می‌رود و فرصت‌های برابر برای همه وجود نخواهد داشت. آموزش، مسکن، بهداشت و سایر نیازهای اساسی، بسترهای اولیه رشد و تعالی انسان هستند و اگر در دسترسی به این نیازها تبعیض وجود داشته باشد، هیچ بازی اجتماعی دیگر به طور عادلانه انجام نخواهد شد.



اقتصاد قانون اساسی

ضابطه دوم: ایجاد شرایط و امکانات برای اشتغال

هدف از این طرح، ایجاد شرایط و امکانات لازم برای اشتغال کامل همه افراد جامعه است. این امر با در اختیار قرار دادن «چهار رکن اشتغال» به افراد جویای کار میسر می‌شود؛ یعنی هر فرد باید به زمین مناسب برای کار و فعالیت خود دسترسی داشته باشد. سرمایه لازم برای فعالیت‌های تجاری، بازرگانی و یا تولیدی خود برخوردار باشند. دسترسی به منابع بانکی و تسهیلات مالی برای راه‌اندازی و توسعه کسب و کار ضروری است و هر فرد باید به ابزار و ادوات لازم برای انجام شغل خود مجهز باشد.

با اجرای این طرح، دیگر شاهد تمرکز و انحصار ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص نخواهیم بود. در حال حاضر، شاهد هستیم که در کشور ما تعداد زیادی واحد تولیدی بزرگ (حدود ۲۰۰ هزار واحد) وجود دارد و ۱۴ میلیون نفر ایرانی برای این ۲۰۰ هزار واحد تولیدی بزرگ کار می‌کنند. دلیل این معضل، عدم توزیع عادلانه سرمایه در بین آحاد جامعه است که تمرکز سرمایه در دست عده‌ای خاص، مانع از دسترسی افراد به امکانات لازم برای کار و فعالیت شده است.

با ثروت و سرمایه می‌توان سه کار اساسی انجام داد:

راه حل اول: در این حالت، ثروتمند (فرضاً ۵ نفر) با استخدام تعداد زیادی کارگر (مثلاً ۳۰۰ نفر) آنها را مزدبگیر یا مزدور خود می‌کند؛ به عبارت دیگر، کارگران برای ۵ نفر ثروتمند کار می‌کنند و سود اصلی به جیب این ۵ نفر می‌رود. این موضوع را می‌توان با گفته شهید بهشتی رحمته الله علیه بهتر درک کرد: «مسئله مهم ما در انقلاب اسلامی این است که باید امکانات کار به وسیله نظام اسلامی و دولت در اختیار صاحبان کار طوری قرار بگیرد که مجبور نباشند مزدور دیگران شوند».

به عنوان مثال، فرض کنید قیمت محصولات کارخانه‌ای ۳ برابر شده و سود آن ۳۰۰ برابر شده است. اما به کارگران و مهندسين و کارمندان آن کارخانه از لحاظ مالی هیچ ربطی ندارد و فقط سود به جیب ۵ نفر ثروتمند می‌رود. همانطور که شهید بهشتی رحمته الله علیه اشاره می‌کنند: «عایدی حاصل از کار باید نصیب خود آنان شود». در



اقتصاد قانون اساسی

برخی از نظام‌های اجتماعی افراد زیادی هستند که کار می‌کنند، ارزش افزوده فراوانی نیز تولید می‌کنند، اما نصیب خودشان نمی‌شود. برخی افراد سعی می‌کنند با تغییر نام سرمایه‌دار به کارآفرین، ماهیت استثمار را پنهان کنند؛ اما این کار مشکلی را حل نمی‌کند.

راه حل دوم: برای مشکل تمرکز ثروت و استثمار، دولتی کردن ثروت و سرمایه‌هاست. در این حالت، دولت اسلامی مالکیت کارخانه‌ها را به دست می‌گیرد و آنها را اداره می‌کند؛ اما این راه حل هم بی‌نقص نیست. در نظام دولتی هم ممکن است شاهد استثمار باشیم؛ مثلاً ۵۰۰ نفر برای ۵ نفر دیگر کار کنند، با این تفاوت که این ۵ نفر، نمایندگان وزارت صنعت یا سایر مقامات دولتی و یا کسانی که رانت و نفوذ دارند، هستند.

همانطور که شهید بهشتی رحمته الله علیه اشاره می‌کنند: «ما با سرمایه‌داری مشکل داریم؛ اگر ما بخواهیم استثمار و بهره‌کشی از کار دیگران را حذف کنیم، هم در شکل دولتی، یعنی استثمار دولتی باید آن را از بین ببریم و هم در شکل خصوصی یعنی سرمایه‌داری خصوصی».

در ۲۰ سال گذشته، به خصوص از زمان سیاست‌های تعدیل اقتصادی در دوره آقای هاشمی، شاهد رواج دروغی بزرگ بوده‌ایم که دولتی‌سازی را راه‌حل مشکلات اقتصادی می‌داند. عده‌ای با القا ناکارآمدی و فساد دولت، مردم را به سمت خصوصی‌سازی سوق دادند؛ گویی با واگذاری اموال و کارخانه‌ها به بخش خصوصی، شاهد معجزه اقتصادی خواهیم بود. این افراد وانمود می‌کردند که فقط دو راه برای اداره اقتصاد وجود دارد: «دولتی یا خصوصی». اما ایده انقلاب اسلامی و قانون اساسی چیزی فراتر از این دوگانگی ساده است. هدف انقلاب اسلامی، توزیع مساوی امکانات تولید بین همه مردم است که در این حالت، هر فرد به اندازه توانایی و تلاش خود می‌تواند از ثروت و رفاه بهره‌مند شود.

البته در هر جامعه‌ای، افراد با تلاش و خلاقیت بیشتر می‌توانند به ثروت بیشتری دست پیدا کنند. اما این تفاوت نباید به شکاف عمیق طبقاتی و استثمار یک عده توسط عده‌ای دیگر تبدیل شود. فرض کنید زمینی به طور مساوی بین همه مردم تقسیم شود و در این زمین‌ها، افراد با توجه به تلاش و تخصص خود می‌توانند به بهره‌وری‌های متفاوتی



اقتصاد قانون اساسی

دست پیدا کنند. ممکن است یک فرد با استفاده از دانش و خلاقیت، از ۸ هکتار زمین خود ۳/۵ تن گندم برداشت کند، در حالی که فرد دیگری بدون هیچ تلاشی فقط ۲/۴ تن برداشت کند. این تفاوت در بهره‌وری، طبیعی است و نباید به معنای فقر و استثمار یک عده توسط عده‌ای دیگر باشد.

راه حل نهایی: با توجه به مشکلاتی که در هر دو نظام سرمایه‌داری دولتی و خصوصی وجود دارد، اصل اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نفی هر دوی آنهاست. با این حال، اگر مجبور به انتخاب بین این دو باشیم، قطعاً سرمایه‌داری دولتی را ترجیح می‌دهیم؛ چراکه دولت نماینده مردم است و در نهایت، دولت منتخب مردم است و باید پاسخگوی نیازها و خواسته‌های آنها باشد. فساد در بخش خصوصی بیشتر است، اگرچه در هر دو بخش وجود دارد. شواهد نشان می‌دهد که فساد در بخش خصوصی به مراتب گسترده‌تر و ریشه‌دارتر و ناکارآمدی بخش خصوصی بیشتر است. برخلاف تصور رایج، بخش خصوصی همیشه کارآمدتر از دولت نیست و در بسیاری از موارد، دولت به دلیل نظارت و برنامه‌ریزی بهتر، می‌تواند عملکرد موثرتری داشته باشد.

در برنامه اول توسعه بعد از جنگ، با ادعای ناکارآمدی و بی‌ثمر بودن کارخانه‌های دولتی، ریل‌گذاری اقتصاد به سمت توسعه‌های مورد نظر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول انجام شد. اما مطالعات نشان داد که در آن زمان، بهره‌وری کارخانه‌های دولتی ۳۰ درصد بیشتر از کارخانه‌های خصوصی بوده است! هدف جناح سرمایه‌دار از این دروغ‌ها، مصادره دستاوردهای انقلاب و واگذاری ثروت عمومی به جیب خودشان بود.

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، خویش‌فرما کردن تعداد زیادی از افراد در جامعه است. در حال حاضر، ۸ میلیون نفر از جمعیت ۲۷ میلیونی بازار کار ایران، در مشاغل مشغول به کار هستند که خود صاحب سرمایه آن شغل هستند. این افراد به صورت مستقل یا خانوادگی، یا با مشارکت در تعاونی‌ها و شرکت‌های سهامی، صاحب شغل و کسب و کار خود شده‌اند و این موضوع، موفقیتی بزرگ در مقایسه با دوره پهلوی است که در آن، سهم خویش‌فرماها در اقتصاد بسیار ناچیز بود.

انقلاب اسلامی باعث خویش‌فرما شدن ۸ میلیون نفر از ایرانیان در دهه ۶۰ شد که این تعداد، تقریباً یک‌سوم از



اقتصاد قانون اساسی

بازار کار کشور را تشکیل می‌دهند. در زمان انقلاب، ۷۵ درصد از اقتصاد ایران در دست دولت بود، اما در عرض یک دهه، یعنی تا سال ۱۳۶۸، این سهم به ۴۸ درصد کاهش یافت؛ به عبارت دیگر، با تلاش‌های انجام شده در دوره انقلاب، سهم دولت از اقتصاد به کمتر از نصف تقلیل پیدا کرد.

این ۲۷ درصد سهمی که از دولت گرفته شد، نه به جیب سرمایه‌داران، بلکه به دست مردم داده شد. همان ۸ میلیون نفری که امروزه به صورت خویش فرما فعالیت می‌کنند، نمونه‌ای از این واگذاری هستند. انقلاب اسلامی در زمینه‌های مختلف، از جمله خویش فرما شدن مردم، دستاوردهای بزرگی داشته است. این موضوع نشان می‌دهد که انقلاب فقط در حد حرف و شعار باقی نمانده و ثمرات ملموسی برای مردم به ارمغان آورده است.

برخلاف برخی که تصور می‌کنند انقلاب اسلامی در همان سال‌های اولیه متوقف شده است، شواهد نشان می‌دهد که حرکت رو به جلو و پیشرفت در کشور همچنان ادامه دارد. دستاوردهایی مانند خویش فرما شدن ۸ میلیون نفر، گواه این مدعاست.

همانطور که در سخنان شهید بهشتی رحمته الله علیه خواندیم، اصل ۴۳ قانون اساسی به دنبال نفی هر دو نظام سرمایه‌داری دولتی و خصوصی است. هدف این اصل، توزیع عادلانه سرمایه‌ها و ابزارهای تولید بین مردم است. در این نظام، نه دولت مالک کارخانه‌ها می‌شود و نه آنها را به بخش خصوصی واگذار می‌کند؛ بلکه، مالکیت کارخانه‌ها به طور مستقیم به خود کارگران تعلق می‌گیرد. در سیستم کارگر-مالک، هر فردی که در یک کارخانه یا بنگاه اقتصادی فعالیت می‌کند، به نسبت سهم کارش در آن مجموعه، مالک آن نیز محسوب می‌شود.

در سیستم کارگر-مالک، هر کارگر به معنای واقعی کلمه صاحب کار خود است. این موضوع انگیزه و تعهد افراد را برای کار بیشتر و بهتر به طور چشمگیری افزایش می‌دهد. کارگران وقتی می‌دانند که برای خود کار می‌کنند و سهمی از سود و منافع کارخانه به آنها تعلق می‌گیرد، با جدیت و اشتیاق بیشتری وظایف خود را انجام می‌دهند. کارگری که صاحب بخشی از کارخانه است، دیگر صرفاً یک نیروی کار ساده نیست.



اقتصاد قانون اساسی

ضابطه سوم: رفاه، آزادی و مشارکت برای همه

با تحقق اقتصادی که در اصل ۴۳ قانون اساسی ترسیم شده، وضعیتی که برای مردم رقم خواهد خورد، بدین صورت است که در این جامعه ایده آل، دیگر خبری از کار طاقت فرسا در دو شیفت و گرفتاری در قسط و وام های سنگین نخواهد بود. مردم دغدغه تأمین نیازهای اولیه مانند اجاره و خورد و خوراک را نخواهند داشت و می توانند با آرامش به زندگی خود بپردازند. در این جامعه، هر ایرانی با یک شیفت کار شرافتمندانه می تواند زندگی آبرومندانه ای را برای خود و خانواده اش فراهم کند. این موضوع فرصت کافی برای خودسازی معنوی، مشارکت فعال در سیاست و اجتماع و ارتقای مهارت ها و ابتکارات را به افراد می دهد.

آزادی و مشارکت در گرو رهایی از دغدغه های اقتصادی

تا زمانی که افراد درگیر چرخه طاقت فرسای اقتصاد معیشتی باشند، فرصتی برای مشارکت سیاسی و اجتماعی فعال نخواهند داشت. اما در جامعه ای که دغدغه های معیشتی به حداقل رسیده است، مردم می توانند با فراغ بال به امور سیاسی و اجتماعی بپردازند. حضور مردم در انتخابات و خلق حماسه های میلیونی، نشان دهنده اهمیت این موضوع است؛ اما این حضور باید فراتر از یک بار در چهار سال باشد. مردم باید فرصت کافی برای رصد امور کشور و مشارکت فعال در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی داشته باشند.

در حال حاضر، سهم کارگران، مهندسان و تکنسین های ایرانی از ارزش افزوده خلق شده در صنعت، تنها ۵ درصد است؛ در حالی که سهم دوسوم باقی مانده به جیب کارخانه داران و صاحبان سرمایه سرازیر می شود. طبیعی است که در چنین شرایطی، کارگران دغدغه های مهمی مانند تأمین معیشت و آینده خود را دارند و فرصتی برای پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی پیدا نمی کنند.

در دهه شصت، شاهد جامعه ای پرشور و با مشارکت سیاسی بالا بودیم. مردم در جهاد، نهضت سوادآموزی، سپاه و کمیته ها حضوری فعال داشتند و انقلاب اسلامی توانمندی مردم را ارتقا بخشیده بود. مدارس و خدمات بهداشتی-درمانی برای همه به طور مساوی در دسترس بود. بانک های خصوصی تعطیل شده بودند و بانک های



اقتصاد قانون اساسی

دولتی مانند بانک مسکن و کشاورزی به مردم وام می‌دادند و برخلاف نظام فعلی بانکداری که ۶۵ درصد گردش مالی و خلق پول کشور را در دست دارد و به جای مردم به خود وام می‌دهد، در آن زمان، وام‌ها به مردم تعلق می‌گرفت و این امر به تقویت بنیه اقتصادی آنها کمک می‌کرد.

اصل ۴۳ و کمونیسم^۱

اصل ۴۳ قانون اساسی به دنبال تحقق عدالت، مالکیت و مشارکت برای همه مردم است. در این اصل، بر تأمین برابر نیازهای اساسی، مالکیت ابزار تولید برای هر فرد و توزیع عادلانه سرمایه‌ها تأکید شده است. ایده اصل ۴۳ هیچ ارتباطی با کمونیسم ندارد؛ به طوری که در نظام کمونیستی، سرمایه‌ها در مالکیت دولت هستند و همه افراد به طور مساوی از حاصل کار خود بهره‌مند می‌شوند. اما در نظام مورد نظر اصل ۴۳، سرمایه‌ها به طور عادلانه بین مردم توزیع می‌شوند و هر کس به اندازه تلاش و کار خود از آن بهره می‌برد. همچنین، این ایده با لیبرالیسم نیز تفاوت دارد؛ چنانچه در نظام لیبرالی، سرمایه‌ها به طور نامتوازن توزیع شده‌اند و افراد با توجه به سرمایه‌ای که در اختیار دارند، از ثروت و رفاه بیشتری برخوردار می‌شوند.

راه حل مورد نظر اصل ۴۳، «اقتصاد همگانی» یا «اقتصاد مردمی» است. در این نظام، سرمایه‌ها به طور عادلانه بین مردم توزیع می‌شوند و همه افراد در مالکیت و اداره واحدهای تولیدی و اقتصادی نقش دارند. مبلغان و مروجان این ایده باید دقت کنند که هرگز «اقتصاد همگانی» را با «اقتصاد خصوصی» اشتباه نگیرند. اقتصاد خصوصی و بخش خصوصی از نظر این نظام مردود و نادرست هستند؛ زیرا در این نظام، استثمار وجود دارد و ثروت به طور عادلانه توزیع نمی‌شود. شرط اصلی تحقق اقتصاد همگانی، توزیع عادلانه مالکیت ابزار تولید است. در این نظام، افراد می‌توانند به صورت فردی یا گروهی با سرمایه خویش کار کنند و در عین حال، در مالکیت و اداره واحدهای تولیدی بزرگ نیز نقش داشته باشند.

۱) Communis: از ریشه لاتینی «کمونیسم» به معنی اشتراکی گرفته شده است و دسته‌ای از ایده‌های اجتماعی و یک سنت ایدئولوژیک (نک ایدئولوژی) را در بر می‌گیرد که غایت آن اشتراک دارایی‌هاست.



اقتصاد قانون اساسی

ضابطه چهارم: انتخاب آزادانه شغل

آزادی انتخاب شغل زمانی معنا دارد که همه افراد به سرمایه و ابزار تولید دسترسی داشته باشند. در حال حاضر، در بسیاری از شهرها، شاهد تمرکز سرمایه در دست عده‌ای خاص هستیم و این موضوع باعث می‌شود که افراد برای امرار معاش مجبور به کار در مشاغلی شوند که به آنها علاقه‌ای ندارند و استعدادشان در آنها شکوفا نمی‌شود؛ به عنوان مثال، در قم که ۳۰۰ هزار نیروی کار دارد، بسیاری از افراد به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی، مجبور به کار در کارخانه‌های ریسندگی می‌شوند، درحالی‌که شاید علاقه و استعداد آنها در زمینه‌های دیگری باشد. همانطور که شهید بهشتی رحمته الله علیه فرمودند، آزادی انتخاب شغل زمانی محقق می‌شود که افراد، مالک ابزار تولید باشند. در این صورت، هر فرد می‌تواند با توجه به علاقه و استعداد خود شغل مورد نظرش را انتخاب کند و از کار خود لذت ببرد. بهره‌کشی از کار دیگران زمانی اتفاق می‌افتد که فردی مالک کار دیگری باشد. در این نظام، صاحب‌کار از کارگر خود سودی بیش از حد متعارف دریافت می‌کند و در واقع از زحمت و تلاش او سوء استفاده می‌کند. برای رهایی از استثمار، لازم است که هر فرد، مالک کار خود باشد. در این صورت، هر کس به اندازه زحمت و تلاش خود از حاصل کارش بهره‌مند می‌شود و دیگر شاهد استثمار و سوء استفاده از نیروی کار نخواهیم بود.

ضابطه پنجم: منع اضرار به غیر، احتکار، ربا و معاملات باطل

یکی از مصادیق ضرر به غیر، احتکار است. احتکار زمانی اتفاق می‌افتد که عده‌ای معدود، کالاهای ضروری را انبار می‌کنند و از عرضه آنها به بازار خودداری می‌کنند تا قیمت‌ها را به طور غیرطبیعی بالا ببرند. انحصار زمانی ایجاد می‌شود که عده‌ای خاص، کنترل یک بازار خاص را در دست داشته باشند و این موضوع باعث می‌شود که آنها بتوانند قیمت‌ها را به دلخواه خود تعیین کنند و از مردم سوء استفاده کنند؛ به طور مثال به تعاونی نرگسداران بهبهان که حدود ۳۰۰ نفر هستند وامی برای تهیه مستقیم کود تعلق نمی‌دهند تا وابستگی آن به واسطه و در نهایت سود بالای وارد کننده کود که همان سرمایه‌دار است، حفظ شود.

برای رهایی از احتکار، ربا و سایر معاملات باطل، لازم است که ثروت و منابع به طور عادلانه بین مردم توزیع شود؛ همچنین باید قوانین و مقرراتی وضع شود که از سوء استفاده افراد و تضییع حقوق دیگران جلوگیری کند.



اقتصاد قانون اساسی

ضابطه ششم: اسراف و تبذیر

اسراف و تبذیر، هر دو مذموم هستند. تبذیر به معنای مصرف مال در نامشروع است، مانند خرید مشروب الکلی. اسراف نیز به معنای مصرف بیش از حد نیاز در امور مشروع است، مانند ساختن خانه‌ای مجلل و غیرضروری. اسراف و تبذیر زمانی رخ می‌دهد که عده‌ای ثروتمند شوند و به جای استفاده درست از ثروت خود، آن را به هدر می‌دهند. نمونه‌ای از اسراف در مصرف، خرید خودروهای میلیاردی توسط ثروتمندان است، درحالی‌که خانواده‌های فقیر حتی توانایی پرداخت هزینه درمان بیماری‌های ساده را ندارند. در مقابل، زنان قالیباف که جزو دهک‌های پایین جامعه هستند، به دلیل کار سخت و طاقت‌فرسا، به بیماری‌های مفصلی مبتلا می‌شوند. همچنین به دلیل عدم دسترسی به امکانات ورزشی مناسب، دختران این دهک‌ها دچار ناهنجاری‌های اسکلتی و عضلانی می‌شوند. این موضوع سلامت نسل آینده را به خطر می‌اندازد و توانایی باروری زنان را کاهش می‌دهد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی به دنبال از بین بردن ساختار ظلم و ستم است. اما چگونه می‌توان از این ساختار ظلم و ستم سخن گفت، درحالی‌که دختران دهک‌های پایین جامعه به دلیل فقر، امکان دسترسی به خدمات بهداشتی و ورزشی را ندارند و ثروتمندان جامعه با اسراف و تبذیر، زندگی‌های مجللی برای خود رقم می‌زنند؟ طبق آمار، دهک دهم جامعه (ثروتمندترین دهک) ۹ برابر دهک اول (فقیرترین دهک) هزینه غذا و ۵۳ برابر هزینه تفریح می‌کنند؛ همچنین ۱۷ برابر بیشتر برای سلامتی خود هزینه می‌کنند.

ضابطه هفتم: ضرورت استفاده از علوم و فنون و تربیت نیروی متخصص

مطابق اصل هفتم قانون اساسی، استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به تناسب نیاز، برای توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور ضروری است. این امر مستلزم آن است که آموزش‌ها و پژوهش‌ها در راستای نیازهای واقعی کشور جهت‌دهی شوند.

۱) از لحاظ آماری دهک به معنای یک دهم جمعیت کل کشور و یک مفهوم نسبی و جمعیتی است. به عبارت دیگر دهک ۱۰ معدل ۱۰ درصد از جمعیت کشور خواهد بود که در مجموع و پس از ترکیب آیت‌های وسع سنجی نسبت به مابقی جمعیت کشور وضعیت رفاهی بالاتری دارد. لازم به ذکر است هر دهک از لحاظ جمعیتی همواره ثابت و به طور متوسط شامل ۸.۵ میلیون نفر است. بنابراین در صورتی که در هر مرحله از وسع سنجی افراد از دهک ۱۰ خارج شده و به دهک‌های پایین‌تر بروند، دقیقاً معادل تعداد همان افراد از دهک‌های پایین‌تر به دهک ۱۰ اضافه می‌شوند.



اقتصاد قانون اساسی

همانطور که در اصل دوم قانون اساسی آمده، یکی از اهداف جمهوری اسلامی، «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر است». تحقق این هدف مستلزم تربیت افراد متخصص در حوزه‌های مختلف علوم و فنون، به ویژه علوم انسانی و اجتماعی است. تمرکز سرمایه‌ها در یکجا، منجر به عدم توزیع عادلانه منابع و امکانات آموزشی می‌شود؛ در مقابل، اگر منابع به طور عادلانه در اختیار همه افراد جامعه قرار بگیرد، این امر منجر به خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی افراد و همچنین افزایش مشارکت فعال آنها در رهبری کشور و توسعه اقتصادی آن کمک می‌کند.

ضابطه هشتم: ممانعت از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور

سلطه اقتصادی بیگانه زمانی رخ می‌دهد که سرمایه کشور در اختیار عده‌ای خاص قرار گیرد. سعید حجاریان در مقاله «اتحاد سه‌گانه و الگوی توسعه»^۱ این موضوع را تشریح می‌کند. او که از تئوریسین‌های جناح غرب‌گرا در ایران محسوب می‌شود، معتقد است که برای توسعه، باید از سرمایه خارجی استفاده کرد و اتکای صرف به رشد داخلی، مانند الگوی آلمان و ژاپن، غیر واقعی است. او در ادامه چنین استدلال می‌کند که جذب سرمایه خارجی نیازمند ایجاد بستر مناسب توسط «میزبان» است. این میزبان، یعنی «طبقه سرمایه‌دار داخلی» باید برای جذب و میزبانی سرمایه‌گذار خارجی آماده باشد. به گفته او، این امر مستلزم وجود «دولت اقتدارگرا» برای سرکوب سایر طبقات جامعه و ایجاد شرایطی است که طبقه اشراف بتوانند به نفع سرمایه‌گذار خارجی عمل کنند. این دیدگاه، خواهان ایجاد اقتصادی وابسته است که در آن معادن، منابع اولیه و زمین، به قیمت ناچیزی در اختیار شرکت‌های خارجی قرار می‌گیرد تا آنها در ایران تولید کنند؛ اما در مقابل، این دیدگاه مخالفانی نیز دارد. منتقدان معتقدند که وابستگی اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که «طبقه سرمایه‌دار وابسته» به جای خدمت به منافع ملی، در پی منافع بیگانه باشد.

در مقابل، توده‌های مردم که نماد مقاومت هستند، حاضرند با اتکا به توان داخلی، در بخش‌های مختلف مانند کشاورزی و خودروسازی، از وابستگی به خارجی‌ها جلوگیری کنند. تمرکز سرمایه در یک بخش خاص، مانند

۱. چاپ شده در سال ۱۳۷۳ در مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی.



اقتصاد قانون اساسی

قطعه‌سازی خودرو، نیز می‌تواند زمینه‌ساز وابستگی اقتصادی باشد.

آقای «الف»، رئیس شرکت کروز که به‌عنوان یکی از بزرگترین تأمین‌کنندگان قطعات خودروسازی در ایران شناخته می‌شود، در اقدامی عجیب و غیرقابل‌باور، به ۳۲۰۰ زن شاغل در خط تولید این شرکت، شرطی ظالمانه را تحمیل کرده است. او به این بانوان اعلام کرده است که در صورت باردار شدن، قرارداد کار آنها تمدید نخواهد شد و عملاً اخراج خواهند شد. این رفتار غیرانسانی و زورگویانه، ریشه در انحصار یا شبه‌انحصار آقای الف در تولید قطعات یدکی خودرو در ایران دارد. او به جای اینکه به فکر ارتقای کیفیت و تولید قطعات بومی باشد، به دنبال سودجویی و منفعت شخصی است.

آقای الف به جای حمایت از تولید ملی و اشتغال‌زایی، خواهان واردات تکنولوژی و مهندسی از خارج کشور است. این در حالی است که بسیاری از متخصصان ایرانی توانایی تولید قطعات باکیفیت را دارند، اما فرصت لازم برای شکوفایی استعدادهایشان به آنها داده نمی‌شود. متأسفانه این نوع رفتارها در میان برخی مدیران و صاحبان ثروت در ایران رواج پیدا کرده است. به عنوان مثال، مدیرعامل گلرنگ، مدیرعامل کروز و مدیرعامل فروشگاه‌های زنجیره‌ای افق کوروش، تنها نمونه‌هایی از این افراد هستند که به جای دغدغه مردم و منافع ملی، فقط به دنبال سود و منفعت شخصی خود هستند.

همانطور که اشاره شده است «فناوری و تولید زمانی اتفاق می‌افتد که تولید همگانی شکل گیرد». تا زمانی که انحصار در دست عده‌ای خاص باشد و به جای تمرکز بر کیفیت و تولید ملی، فقط به دنبال سودجویی و واردات باشند، شاهد پیشرفت و توسعه نخواهیم بود.

امام خمینی ره فرمودند: «مشارکت توده‌های میلیونی مردم در تلاش و تولید و خلاقیت». ایشان به خوبی به اهمیت خلاقیت و تکنولوژی در پیشرفت کشور واقف بودند. تجربه موفق بسیج در دوران دفاع مقدس، الگوی مهمی برای امام خمینی ره بود. ایشان مشاهده کرده بودند که تمرکزگرایی در امور نظامی کارآمد نیست و واگذاری امور به مردم، قدرت و خلاقیت بیشتری را به ارمغان می‌آورد.



اقتصاد قانون اساسی

در زمان انقلاب، ۵۲ درصد از مردم ایران بی سواد بودند. این میراث شوم ۷۰ سال نظام آموزشی متمرکز رضاخانی بود که نه تنها ریشه‌کنی فقر و بی سوادگی را به ارمغان نیاورد، بلکه ایران را با معضل بی سوادگی گسترده مواجه کرد، اما امام خمینی ره با اتکا به قدرت مردم، در عرض یک دهه و با نهضت سوادآموزی، نرخ بی سوادگی را به زیر ۵ درصد کاهش دادند. امروزه این نرخ به حدود ۲/۱ درصد رسیده و عمده‌تأ شامل افراد مسن و پیرمردان و پیرزنان می‌شود. این تجربه به ایشان آموخت که «معجزه تکنولوژی در حضور مردم است». ایشان معتقد بودند که برای پیشرفت اقتصادی نیز باید از مشارکت و خلاقیت مردم بهره برد.

ضابطه نهم: تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی

در این ضابطه بر ضرورت افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی به منظور تأمین نیازهای عمومی و دستیابی به خودکفایی تأکید شده است و این امر زمانی محقق می‌شود که مردم برای خودشان تولید کنند. سرمایه‌دار به دنبال منافع خود است و دغدغه‌ای برای استقلال کشور ندارد. نظام دولتی نیز ممکن است در برخی موارد ناکارآمد باشد و توانایی لازم برای ایجاد ساختار اقتصادی مطلوب را نداشته باشد. با این حال، ایده اصلی «نه انحصار خصوصی، نه انحصار دولتی، بلکه عمومی کردن اقتصاد» همچنان پابرجاست. اصل ۴۳ قانون اساسی نیز در این راستا تدوین شده است.

اصل ۴۳ قانون اساسی، به ویژه بند ۲ آن، که توسط شهید بهشتی ره به عنوان «مغز اقتصاد قانون اساسی» شناخته می‌شود، بر «همگانی کردن ابزار تولید» تأکید دارد. این اصل، مبنای فراوانی امکانات تولید و همگانی کردن سرمایه است.

اصل ۴۴: دولتی، تعاونی و خصوصی

پس از اصل ۴۳، به اصول ۴۴ تا ۴۷ این اقتصاد پرداخته می‌شود. اصل ۴۴ نظام اقتصادی جمهوری اسلامی را بر پایه سه بخش «دولتی، تعاونی و خصوصی» با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار می‌کند. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی، معدن، بانک، بیمه، نیرو، شبکه‌های بزرگ آبرسانی است. اینها مواردی هستند که در اقتصاد به آنها «انحصار طبیعی» گفته می‌شود.



اقتصاد قانون اساسی

در اینجا سوالی مطرح می‌شود: در این همگانی کردن که صحبتش شد، آیا می‌شود نیروگاه هسته‌ای بوشهر را همگانی کرد؟ این یک قدرت سیاسی، اقتصادی و امنیتی است که باید در دست یک نهاد واحد باشد. همچنین، بانک کشور را می‌توان همگانی یا خصوصی کرد؟ خیر. بانک، قدرت راهبری دارد و باید در دست دولت باشد. البته با این قید که وام‌های بانکی به طور مساوی بین مردم، وام‌های بخش مسکن نیز به طور مساوی بین همه افراد بی‌مسکن، وام‌های بانک کشاورزی بین همه کشاورزان، وام‌های بانک توسعه تعاون بین همه تعاونی‌ها توزیع شود. قانون اساسی با «بانکداری خصوصی» مخالف است.

کارخانجات مهم و استراتژیک مانند ماشین‌سازی تبریز که ابزار کارخانجات دیگر را می‌سازد، باید در دست دولت باشد. اما خودروسازی‌ها، پتروشیمی‌ها و... که محصولات نهایی را تولید می‌کنند، نه خصوصی، مردمی هستند. مردمی به معنای واگذاری به تعاونی‌ها و شرکت‌های بزرگ با مشارکت مردم است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر اساس ضوابط اسلامی شکل می‌گیرند. تعاونی‌ها «بخش عمومی» هستند که می‌توانند شامل دو الی سه نفر به صورت خانوادگی یا ۲۰۰۰ نفر در یک شرکت بزرگ باشند. تعاونی‌ها اقتصاد را مردمی و همگانی می‌کنند.

استثنائات در اقتصاد اسلامی: اجاره، ازدواج موقت و کارگری

شهید بهشتی رحمته‌الله در بحثی پیرامون اقتصاد اسلامی، مثالی از مهاجرتی موقت می‌زنند که در آن فردی برای مدتی کوتاه به شهر دیگری نقل مکان می‌کند و تمایلی به فروش سهم خود در کارخانه شهر خود ندارد؛ چراکه می‌داند پس از مدتی به آنجا بازخواهد گشت. ایشان این مثال را به «ازدواج موقت» تشبیه می‌کنند و معتقدند که «عقد اجاره» نیز در زمره استثنائات در اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد. به عقیده ایشان، اصل در اقتصاد اسلامی بر مشارکت و مالکیت است و نه اجیر شدن برای دیگران.

همانطور که در ازدواج، قاعده بر ازدواج دائم است و ازدواج موقت تنها در شرایط خاص و به عنوان استثنا مجاز شمرده می‌شود، در اقتصاد نیز اصل بر کار کردن و مالکیت محل کار است و اجیر شدن، تنها در موارد خاص و به



اقتصاد قانون اساسی

عنوان استثنا مجاز شمرده می‌شود. ایشان با ذکر این مثال‌ها، درصدد تبیین این نکته هستند که بخش خصوصی در اقتصاد اسلامی شامل آن دسته از فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های دولتی و تعاونی باشند و نه جایگزین آنها.

اصل ۴۵: ثروت‌های عمومی در خدمت مردم

اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همانند اصول قبلی، به ثروت‌های عمومی مانند زمین‌های موات، معادن، دریا، رودخانه، جنگل، آب‌ها، کوه و دریاچه می‌پردازد. این ثروت‌ها، «ارث بدون وارث» و «اموال مجهول‌المالک» محسوب می‌شوند و از غاصبان مسترد شده و در اختیار حکومت اسلامی قرار می‌گیرند. اما هدف از این مالکیت، حفظ این ثروت‌ها در انحصار دولت نیست، بلکه حکومت موظف است آنها را بر طبق مصالح عامه، بین مردم توزیع کند؛ به عبارت دیگر، ثروت‌های عمومی باید به گونه‌ای مدیریت و توزیع شوند که منافع عموم مردم را تأمین کنند. همانطور که شهید بهشتی رحمته‌الله در بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی، مصلحت عامه را تبیین کرده‌اند، امکانات تولید را دست همه مردم سپردن یکی از مصادیق بارز آن به شمار می‌رود.

دلیل اقتباس از شهید بهشتی رحمته‌الله در این گفتار این است که شهید بهشتی رحمته‌الله، به همراه حدود هفتاد مجتهد دیگر و جمعی از متخصصان، در مجلس خبرگان قانون اساسی، نقش‌آفرین تدوین این قانون بودند. امام خمینی قدس سره این قانون را فشرده‌ترین کار فقهی تاریخ شیعه در دوران غیبت می‌دانستند و معتقد بودند که هیچ متنی در تاریخ تشیع به لحاظ فقهی، از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمیق‌تر و پربارتر نیست؛ همانطور که مقام معظم رهبری دام‌ظله در بحث «پنج مرحله رشد جریان انقلاب» را این‌گونه بیان می‌کنند: «نهضت اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی»؛ همچنین حرکت انبیاء، اولیاء و انقلاب اسلامی را جزو دومین مرحله از مراحل پنج‌گانه می‌دانند.

اصل ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی

اصل ۴۶ قانون اساسی، با تأکید بر مالکیت افراد بر «حاصل کسب و کار مشروع» خود، هرگونه ممانعت از کسب و کار مشروع دیگران را ممنوع می‌سازد. این اصل، در راستای تحقق «مالکیت برای همه» در چارچوب



اقتصاد قانون اساسی

اقتصاد اسلامی، گامی اساسی به شمار می‌رود.

اصل ۴۷ نیز با تأکید بر مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، ضوابط آن را موکول به قانون می‌کند. اما چرا در این اصل از «مالکیت شخصی» به جای «مالکیت خصوصی» استفاده شده است؟ تبیین این موضوع در مباحث شهید بهشتی رحمته الله علیه، متفکران و امام خمینی قدس سره نهفته است. همانطور که در جلد ۳ و ۴ کتاب «ولایت فقیه و فقه الدوله» آیت الله منتظری شرح داده‌اند، امام خمینی قدس سره با توزیع انفال^۱ (ثروت‌های عمومی) بین مردم، مالکیت را برای همه به ارمغان می‌آوردند. شهید بهشتی رحمته الله علیه این مالکیت را «مالکیت شخصی» می‌نامند؛ یعنی آن بخشی از ثروت که حاصل کار فرد بر روی سرمایه عمومی خود است.

امام خمینی قدس سره در سه جا به صراحت بیان کرده‌اند: «در اقتصاد اسلامی، مد نظر ما این است که تقریباً همه در یک سطح زندگی کنند». این سخن، به معنای انکار نظام‌های کمونیستی و تأکیدی بر عدالت اقتصادی در اسلام است. امام خمینی قدس سره در سه جای دیگر نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند که «در اقتصاد اسلامی زمین‌های بزرگ و زمین‌داران بزرگ پیدا نخواهند شد» و در جایی دیگر می‌فرمایند: «سرمایه‌های بزرگ وجود نخواهد داشت» و در جایی دیگر فرمودند: «زمین‌داری بزرگ وجود نخواهد داشت». این سخنان، بیانگر ماهیت اقتصاد اسلامی و تمایز آن از نظام‌های سرمایه‌داری است که در آنها ثروت و قدرت در دست عده‌ای خاص متمرکز می‌شود، طوری که اشراف اصول‌گرا و اصلاح طلب امروزه دارای هزاران میلیارد سرمایه هستند و این فاصله طبقاتی، فاصله‌ای نابرابر است.

انواع مالکیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدین شرح است:

مالکیت دولتی: که به عنوان الگوی کمونیستی از آن یاد می‌شود.

مالکیت خصوصی: که غایت و آرزوی لیبرالیسم و سرمایه‌داری است.

مالکیت عمومی و همگانی: که در دو شکل «کار فردی» و «تعاونی» تجلی می‌یابد.

۱. انفال غنائم و موهبت‌های منقول و غیر منقولی است که از جانب خداوند تعالی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از آن حضرت در اختیار امامان علیهم السلام قرار گرفته است. این واژه از آیه نخست سوره انفال گرفته شده است. غنیمت‌های برجسته جنگ‌ها، قله کوه‌ها، دریاها، زمین‌های موات، بستر رودخانه‌ها، مال بدون وارث از جمله موارد مربوط به انفال است



اقتصاد قانون اساسی

مالکیت شخصی: که ثمره و محصول نهایی «مالکیت همگانی ساختارهای تعاونی» است.

در این نظام، با توزیع عادلانه ثروت و امکانات، افراد به سطح متعادلی از دارایی و رفاه دست می‌یابند. به گونه‌ای که همه بالای خط متوسط قرار می‌گیرند. این امر، مبنای «مالکیت شخصی محترم» در چارچوب اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود.

اصل ۴۸ قانون اساسی

اصل ۴۸ قانون اساسی به دنبال از بین بردن تبعیض در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سرتاسر کشور است. این به معنای توزیع عادلانه بودجه، امکانات و فعالیت‌های اقتصادی در بین استان‌ها و مناطق مختلف است. هدف این است که هر منطقه با توجه به نیازها و ظرفیت‌های خود، به منابع و امکانات لازم برای رشد و توسعه دسترسی داشته باشد.

متأسفانه، شاهد تمرکز ثروت و قدرت در برخی مناطق، به خصوص در تهران، هستیم؛ به عنوان مثال، بانک‌های خصوصی پول‌های کشور را جمع‌آوری می‌کنند و در تهران سرمایه‌گذاری می‌کنند که منجر به نابرابری و فساد می‌شود. یکی از دلایل اصلی این نابرابری، نظام بانکی فعلی است که به نفع ثروتمندان و قدرتمندان عمل می‌کند. این سیستم توسط «لیبرال‌ها» در ایران ایجاد شده و مغایر با اصل ۴۸ قانون اساسی و بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی است.

لیبرال‌ها مانع تحقق اصل‌های قانون اساسی

علی انصاری، صاحب بانک تات و بعداً بانک آینده، ۵۰۰ میلیارد تومان پول را از بازار مبل ایران به سیستم بانکی منتقل کرد و این پول در چرخه فساد و تبانی، به ۲۵۰۰ میلیارد تومان در بانک تات تبدیل شد. او با قدرت تازه‌ای که از بانک آینده به دست آورده بود، وام‌های کلان به خود اعطا کرد و با این پول، پروژه عظیم ایران‌مال را با ارزش نجومی ۸۵ هزار میلیارد تومان در تهران بنا کرد.

از سال ۸۰ تا ۸۴، رهبر معظم انقلاب در برابر ابلاغ بند «ج» سیاست‌های اصل ۴۴، مقاومت می‌کردند؛ اما نهایتاً در سال ۸۴، با اصرار جناح‌های حامی بازار آزاد، ایشان با ابلاغ کلیات اصل ۴۴ موافقت کردند. اما ماجرا به همین جا ختم نشد و بند «ج» این اصل، هرگز توسط رهبری «لَمَّا قَلَّ» ابلاغ نشد؛ داستانی مشابه برج‌های فساد از سوی



اقتصاد قانون اساسی

جریانات خاص و تسلیمی ناخواسته. برخی معتقدند که در طول تاریخ جمهوری اسلامی، ایران فقط در زمینه‌های نظامی و امنیتی جام زهر سر کشیده است. اما واقعیت این است که در عرصه اقتصاد نیز شاهد چنین تسلیم‌هایی بوده‌ایم. سیاست‌های اصل ۴۴، به‌ویژه بند «ج» آن، حکم جام زهری را داشت که گویی رهبری «الْقِطْلَةُ» ناگزیر به نوشیدن آن شدند؛ درست همانطور که امام خمینی ره در سال ۶۶ در برابر فشارها برای پذیرش قطعنامه تسلیم شد. برای یازده سال تمام، جریانات لیبرال در ایران تلاش کردند. از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۴، تلاش‌های بی‌وقفه آنها سرانجام به ثمر نشست و خصوصی‌سازی گسترده در حوزه‌های بانکی، صنعتی و تجاری صورت گرفت. بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی، بر توزیع عادلانه امکانات و ثروت در جامعه تأکید می‌کند. اما با واگذاری رگ‌های حیاتی اقتصاد به بخش خصوصی، عملاً این اصل اساسی نادیده گرفته شد. نظام بودجه‌ریزی کشور که وظیفه توزیع عادلانه منابع و امکانات را دارد، در این فرآیند به حاشیه رانده شد و عملاً کارایی خود را از دست داد.

اصل ۴۹ قانون اساسی

این اصل، تکلیف روشنی را بر دوش دولت می‌گذارد: «بازگرداندن ثروت‌های نامشروع به صاحبان حق». این ثروت‌ها شامل مواردی مانند ربا، غصب، رشوه، اختلاس، قمار، سوء استفاده از موقوفات، زمین‌های موات، معاملات دولتی غیرقانونی، و حتی اماکن فساد می‌شود. در صورت عدم شناسایی صاحب حق، این اموال باید به بیت‌المال واریز گردد. اما اجرای این اصل به سادگی که در قانون آمده، نیست. چالش‌های متعددی در این مسیر وجود داشت. در بدو انقلاب، امام خمینی ره با شجاعت تمام، خواستار بازپس‌گیری زمین‌ها از فئودال‌ها و ملاکان و توزیع آن بین مردم شد. اما این اقدام با مخالفت برخی از مراجع تقلید و حتی تعطیلی درس تفسیر قرآن ایشان روبه‌رو شد؛ به‌نحوی که در نهایت برنامه تقسیم اراضی به طور کامل به سرانجام نرسید.



مقام معظم رهبری (مدظله):

«بدانید جمهوری اسلامی ایران با این مردم، با این منطق، با این قانون اساسی بر همه‌ی دشمنانش پیروز خواهد شد...»

(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۹۴/۰۶/۱۸)

با توجه به مشکلاتی که در هر دو نظام سرمایه‌داری دولتی و خصوصی وجود دارد، اصل اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نفی هر دوی آنهاست. با این حال، اگر مجبور به انتخاب بین این دو باشیم، قطعاً سرمایه‌داری دولتی را ترجیح می‌دهیم؛ چراکه دولت نماینده مردم است و در نهایت، دولت منتخب مردم است و باید پاسخگوی نیازها و خواسته‌های آنها باشد. فساد در بخش خصوصی بیشتر است، اگرچه در هر دو بخش وجود دارد. اما برخلاف تصور رایج، بخش خصوصی همیشه کارآمدتر از دولت نیست و در بسیاری از موارد، دولت به دلیل نظارت و برنامه‌ریزی بهتر، می‌تواند عملکرد موثرتری داشته باشد.